

متن پرسش

با سلام استاد از شما خواهش میکنم کمکم کنید حس میکنم در برزخی هستم که هیچ راهی ندارم. ۲۵ سالگی به عقد مردی درآمد که همه آرزوهایم را در زندگی با او جستجو میکردم در ۲۶ سالگی در اوج ناباوری در حالیکه هنوز زندگی مشترک را شروع نکرده بودیم او را ازدست دادم. سرطان. الان ۳۲ سال دارم و دیگر ازدواج نکردم. احساس میکنم زمین زیر پایم به سرعت حرکت کرده و حال که به این سن رسیدم و به گذشته برمیدرم نه دنیا داشته ام و نه آخرتی از مرگ میتراسم علی رغم مشکلات دنیوی وقتی به خلق و خوی بدم و پرخاشگریهام نسبت به اطرافیان به خصوص پدر و مادرم فکر میکنم و به قیامتی که باید جوابگوی این رفتارم باشم من را دارد از پا درمیآورد. من دختر مقید به اصول دینی هستم حجاب نماز روزه همه مرا به خوبی میشناسند اما خودم میدانم که بدم یعنی از نظر اخلاقی روز به روز دارم بدتر میشوم. اصلاً نمیدانم باید چه راهی در پیش بگیرم. پشیمانم که چرا ادامه تحصیل ندادم اما دیگر نمیتوانم الان فقط رضایت خدا را میخواهم و اینکه وقتی مردم اول راحتیم باشد نه بیچارگیم. راهنماییم کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: (اولاً: اگر موردی جهت ازدواج پیش آمد ردّ نکنید. ثانیاً: مباحث سیر مطالعاتی که روی سایت است را دنبال کنید ان شاءالله مفید خواهد بود. موفق باشید